



گنبد نورانی کاظمین

ابوجعفر محمد بن علی نهمین امام از امامان دوازده گانه شیعیان و یازدهمین معصوم از چهارده معصوم است. مشهورترین لقبهای آن حضرت جواد (بخشنده) و تقی (پرهیزگار) است. پدرش امام رضا (ع) و مادرش سبیکه یا ریحانه یا دره از مردم نوبی (شمال سودان) است. امام در سال 195 هـ.ق در مدینه به دنیا آمدند.

امام جواد (ع) در سال 203 هـ.ق پس از شهادت پدرش امام رضا (ع)، در سن هشت سالگی، به امامت رسید دوران هفده ساله امامت او با حکومت مامون و معتصم، خلفای عباسی، همزمان بود. هنگامی که امام رضا (ع) به دعوت مامون از مدینه به توس رفت. اما جواد (ع) که کودک بود، مانند دیگر افراد خانواده حضرت رضا (ع) در مدینه ماند و در سال 202 هـ.ق برای دیدار پدر به مرو رفت و سپس به مدینه بازگشت.

پس از شهادت امام رضا (ع) مامون به بغداد رفت او که از کمالات علمی و معنوی امام جواد (ع) آگاه بود، ایشان را از مدینه به بغداد دعوت کرد. اما دولتمردان حکومت عباسی و اطرافیان مامون از این اقدام ناخشنود بودند، به ویژه آنکه مامون تصمیم داشت دختر خود، ام الفضل، را به همسری امام جواد (ع) در آورد. مامون برای آنکه آنها را از مقام علمی و فضل آن حضرت آگاه کند، در بغداد مجلس بحثی، میان او و دانشمندان بزرگ آن روزگار، ترتیب داد. در این مجلس، امام به پرسشهای علما پاسخ گفت و میزان دانش و هوش وی بر آنان آشکار شد. پس از آن مامون دختر خود را به همسری امام درآورد. امام جواد (ع) پس از چندی به سفر حج رفت و از آنجا به مدینه بازگشت، و پایان خلافت مامون در آن شهر ساکن بود. پس از مرگ مامون به دستور معتصم عباسی، در سال 220 هـ.ق، به همراه همسرش ام الفضل، به بغداد رفت و بنابر بعضی روایتها به دستور معتصم مسموم شد و به شهادت رسید. امام جواد (ع) را همه مسلمانان عالمی بزرگ می دانستند. ایشان انسانی بردبار، نیکو سخن، عابد و بسیار باهوش بود. حدیثهای بسیاری از آن امام، در کتابهای حدیث، از جمله عیون اخبار الرضا، تحف العقول، مناقب، بحارالانوار و نقل شده است.

نیاز مؤمن به سه چیز

«الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ، وَ وَاعِظَ مِنْ نَفْسِهِ، وَ قَبُولٍ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ.»:

مؤمن نیاز دارد به توفیقی از جانب خدا، و به پندگویی از سوی خودش، و به پذیرش از کسی که او را نصیحت کند.

استوار کن، آشکار کن!

«إِظْهَارُ الشَّيْءِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَحْكَمَ مَفْسَدَةٌ لَهُ.»:

اظهار چیزی قبل از آن که محکم و پایدار شود سبب تباهی آن است.

قطع نعمت، نتیجه ناسپاسی

«لَا يَنْقَطِعُ الْمَرْبِدُ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرُ مِنَ الْعِبَادِ.»:

افزونی نعمت از جانب خدا بریده نشود تا آن هنگام که شکرگزاری از سوی بندگان بریده شود.

تأخیر در توبه

«تَأخِيرُ التَّوْبَةِ إِعْتِرَافٌ وَ طَوْلُ التَّسْوِيفِ حَيْرَةٌ، وَ الْإِعْتِدَارُ عَلَى اللَّهِ هَلَكَةٌ وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ أَمَّنٌ لِمَكْرِ اللَّهِ «فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ.»:

(سوره اعراف، آیه 99) به تأخیر انداختن توبه نوعی خودفریبی است، و وعده دروغ دادن نوعی سرگردانی است، و عذرتراشی در برابر خدا ناپودی است، و پا فشاری بر گناه آسودگی از مکر خداست. «از مکر خدا آسوده نباشند جز مردمان زیانکار.»

نامه امام جواد به دوستش

«كَتَبْتُ إِلَى بَعْضِ أَوْلِيَائِهِ: أَمَّا هَذِهِ الدُّنْيَا فَبِئْسَ فِيهَا مُعْتَرِفُونَ وَ لَكِنْ مَنْ كَانَ هَوَاهُ هَوَى صَاحِبِهِ وَ دَانَ بِدِينِهِ فَهُوَ مَعَهُ حَيْثُ كَانَ وَ الْآخِرَةُ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ.»:

امام جواد (علیه السلام) به یکی از دوستانش نوشت: اما در این دنیا ما زیر فرمان دیگرانیم، ولی هر که خواسته او خواسته امامش و متدین به دین او باشد، هر جا که باشد با اوست و دنیای دیگر سرای جاودان است.

مستولیت گوش دادن

«مَنْ أَصَغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ، فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ يَنْطِقُ عَنِ لِسَانِ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِيسَ.»:

هر که گوش به گوینده ای دهد به راستی که او را پرستیده، پس اگر گوینده از جانب خدا باشد در واقع خدا را پرستیده و اگر گوینده از زبان ابلیس سخن گوید، به راستی که ابلیس را پرستیده است.

پسندیدن، در حکم پذیرفتن

«مَنْ شَهِدَ أَمْرًا فَكَرَهُهُ كَانَ كَمَنْ غَابَ عَنْهُ، وَ مَنْ غَابَ عَنْ أَمْرٍ فَرَضِيَهُ كَانَ كَمَنْ شَهِدَهُ.»:

کسی که در کاری حاضر باشد و آن را ناخوش دارد، مانند کسی است که غایب بوده، و هر که در کاری حاضر نباشد، ولی بدان رضایت دهد، مانند کسی است که خود در آن بوده است.

نوشته امام جواد (علیه السلام)

«إِنَّ أَنْفُسَنَا وَأَمْوَالَنَا مِنْ مَوَاهِبِ اللَّهِ الْهَنِيئَةِ وَعَوَارِيهِ الْمُسْتَوْدَعَةِ يَمْتَعُ بِمَا مَتَّعَ مِنْهَا فِي سُرُورٍ وَغَيْبَةٍ وَيَأْخُذُ مَا أَخَذَ مِنْهَا فِي أَجْرٍ وَحِسْبَةٍ فَمَنْ غَلَبَ جَزَعُهُ عَلَى صَبْرِهِ حَيْطَ أَجْرُهُ وَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ.»:

حضرت جوادالائمه (عليه السلام) به خطّ خود نوشت: جان و دارایی ما از بخششهای گوارای خداست و عاریه و سپرده اوست، هر آنچه را که به ما ببخشد، مایه خوشی و شادی است و هر آنچه را بگیرد، اجر و ثوابش باقی است. پس هر که جزعش بر صبرش غالب شود اجرش ضایع شده و از این [صفت] به خدا پناه می بریم. دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا

«أَوْحَى اللَّهُ إِلَى بَعْضِ الْأَنْبِيَاءِ: أَمَّا زُهْدُكَ فِي الدُّنْيَا فَتُعْجِلُكَ الرَّاحَةَ، وَ أَمَّا إِتْقَانُكَ إِلَى قِيَعِزِّكَ بِي، وَ لَكِنْ هَلْ عَادَيْتَ لِي عَدُوًّا وَ وَالَيْتَ لِي وَلِيًّا.»:

خداوند به یکی از انبیا وحی کرد: اما زهد تو در دنیا شتاب در آسودگی است و اما رو کردن تو به من، مایه عزت توست، ولی آیا با دشمن من دشمنی، و با دوست من دوستی کردی؟